

تاریخ: ۹۸/۱۱/۰۹

موضوع: جولان فتنه گران ولایت، در «اصفهان» و «مشهد»!

(هیئت خیابان پروین اصفهان)

فهرست مطالب

- از بزرگ‌ترین شاخصه‌های رفتاری حضرت فاطمه (سلام الله علیها) ۳
- جولان فتنه گران ولایت، در «اصفهان»! ۷
- اهتمام امام حسن عسکری به پاسخگوئی به شبهات! ۸
- اظهارات عجیب فتنه گر اصفهان، درباره امیرالمؤمنین و حضرت زهرا (سلام الله علیهما) ۱۰
- آیا ائمه اطهار برای فاطمه زهرا، مجلس عزاداری گرفتند؟! ۱۷
- فتنه های جدید، از درون حوزه های علمیه شیعه! ۲۰
- لزوم حرکت جدی برای پاسخگوئی به شبهات در فضای مجازی! ۲۱
- علمای شیعه! آتش به اختیار؛ شبهه افکنان را بی آبرو کنید! ۲۲
- ذکر مصیبت حضرت زهرا (سلام الله علیها) ۲۸

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين لاحول ولا قوة الا بالله العلي العظيم حَسْبُنَا
اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِير تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَاسْتَعْنْتُ بِذِي الْعِزَّةِ وَالْقُدْرَةِ
وَالجَبْرُوتِ ثم الصلاة والسلام على سيدنا وسيد الاولين والآخرين حبيبنا وحبیب اله العالمين الذي سمي في
السماء باحمد و في الارض بابي القاسم محمد(صلى الله عليه و آله و سلم)

وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المنتجبين المكرمين لاسيما مولانا وسيدنا حجة ابن الحسن
(روحي وارواح العالمين لتراب مقدمه الفداء) و اللعن الدائم على اعدائهم ومخالفهم ومعانديهم من الآن الى
قيام يوم الدين.

و بعد قال رسول الله: فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ قَلْبِي وَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي.

شهادت مظلومانه صديقه طاهره اُمُّ الْأَيْمَةِ النَّجَبَاء، فاطمه زهرا را به پيشگاه مقدس مولايमान بقية الله الأعظم
(ارواحنا فداه) و همه علاقه مندان، دلباختگان و دوستداران اهل بيت عصمت و طهارت و شما گراميان تعزيت و
تسليت عرض می کنم.

خدا را به آبروی اين بانوی دو سرا سوگند می دهم پاداش ما را فرج موفور السرور مولايमान بقية الله الأعظم قرار
بدهد ان شاء الله!

ايام، ايام شهادت صديقه طاهره، شام شهادت اين بانوی دو سرا است. خدا را شاکر هستيم که امسال هم به ما
عمر داد ايام شهادت اين بانوی دو سرا و سيدة نساء العالمين را درک کردیم.

خداوند این عزاداری‌ها و این حزن اندوه‌ها را در مصائب صدیقه طاهره از همه قبول کند و برای آن لحظه جان کندن، قبر و برزخ و قیامت توشه‌ای قرار بدهد و همه ما را در دنیا و آخرت از عنایات ویژه صدیقه طاهره بهره‌مند سازد.

در رابطه با فضائل فاطمه زهرا (سلام الله علیها) سخن زیاد است و قطعاً در این ایام، در مجالس، محافل، رسانه‌ها مطالب زیادی شنیده شده است؛ من در جمع شما عزیزان می‌خواهم یک نکته جدیدی را مطرح کنم؛ باشد که برای ما، الگویی در این عصر حاضر، در این کشور و در این شهر «اصفهان» باشد.

از بزرگ‌ترین شاخصه‌های رفتاری حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

صدیقه طاهره، یکی از بزرگ‌ترین شاخصه‌هایش دفاع جانانه و تمام قد از ولایت و امامت است و پاسخگویی به شبهاتی که مخالفین، معاندین، و غاصبین حوزه ولایت مطرح کرده بودند.

خطبه‌های صدیقه طاهره (سلام الله علیها) کاملاً واضح و روشن است؛ چه در مسجد، چه در جمع زنان «مهاجرین» و «انصار» که برای عیادت این بانو آمده بودند؛ چه آن لحظه‌ای که به خانه زهرای مرضیه هجوم آوردند و ایشان در پشت در با صدای رسا سخنان و خطبه‌ای بیان کردند.

تعبیر یکی از علمای بزرگ اهل سنت «عبدالفتاح عبدالمقصود» است که می‌گوید: صدای صدیقه طاهره آن‌چنان با سوز و گداز بیان شد، که صدای ناله و گریه آنان که برای هجوم به خانه زهرا آمده بودند؛ فضای «مدینه» را فرا گرفت.

این صدا بر بدن مهاجمین آن‌چنان لرزه‌ای انداخت که با صدای ناله و گریه از در خانه علی بر گشتند، جز تعداد اندکی که با امیرالمؤمنین در «جنگ بدر»، «جنگ احد» و در «حنین» عداوتی داشتند پشت در ماندند.

شما ببینید در همان روز اول یا روز دوم است که هجوم به خانه صدیقه طاهره صورت می‌گیرد، مرحوم «طبرسی» در کتاب «احتجاج» خطبه فاطمه زهرا پشت در خانه و جلوی خانه که مملو از جمعیت است را بیان می‌کند و من فقط دو فراز از این خطبه را خدمت‌تان عرض می‌کنم.

شما ببینید صدیقه طاهره (سلام الله علیها) بحث هجوم به خانه، بحث شکستن پهلوئی خود، شهادت محسن، سیلی به صورت خود - که تمام مورخین نقل کردند و یکی دو مورد نیست! - این‌ها را مطرح نمی‌کند. اول جمله‌ای که صدیقه طاهره خطاب به مهاجمین دارد می‌گوید:

«لَا عَهْدَ لِي بِقَوْمٍ أَشْوَأَ مَخْضَرًا مِنْكُمْ»

من آدم بی حیائی مثل شما ندیدم!

این سخن صدیقه طاهره برای صحابه است، برای مسلمان‌ها است. نه برای «یهود»، نه برای «مسیحی»‌ها نه برای «منافقین». فرمود:

« لَا عَهْدَ لِي بِقَوْمٍ أَشْوَأَ مَخْضَرًا مِنْكُمْ تَرَكْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ جَنَازَةً بَيْنَ أَيْدِينَا »

طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للتبرسي)، نشر مرتضی - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق، ج ۱: ص ۸۰

حضرت فرمود: چقدر شما بی‌حیاء هستید جنازه پیغمبر را دفن نکرده به «سقیفه» رفتید و ندای:

«منا أمير ومنكم أمير»

المصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني الوفاة: ۲۱۱، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت -

۱۴۰۳، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج ۵، ص ۴۴۴

سر دادید. این که رسول اکرم در «غدیر» در رابطه با علی، چه گفته بود همه را به فراموشی سپردید. بحث صدیقه طاهره بحث شخصی نیست؛ بحث اسلام و دفاع از حریم ولایت و امامت است. فرمود:

«كَأَنَّكُمْ لَمْ تَعْلَمُوا مَا قَالَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ»

گویا هیچ کدام شما سخنان پیغمبر را در «غدیرخُم» نشنیده بودید؟

طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، نشر مرتضی - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق، ج ۱:

ص ۸۰

تعبیری که یکی از علمای بزرگ اهل سنت به نام «ابن عمر مدینی» در کتاب «نزهة الحفاظ» جلد ۱، صفحه ۱۰۱ دارد تعبیر، تعبیر خیلی حماسی است. حضرت زهرا فرمود:

«أُنْسِيتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ مِنْ كُنْتُمْ مَوْلَاهُ فَعَلِي مَوْلَاهُ»

چه زود سخن پدرم رسول خدا را درباره علی در «غدیر» فراموش کردید که گفت هر کس من ولی امر او هستم علی هم ولی امر اوست.

نزهة الحفاظ؛ اسم المؤلف: محمد بن عمر الأصبهاني المديني أبو موسى الوفاة: ۵۸۱، دار النشر: مؤسسة الكتب

الثقافية - بيروت - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد الرضى محمد عبد المحسن، ج ۱، ص ۱۰۱

امروز باید این ایستادگی حضرت زهرا (سلام الله علیها) برای ما الگو باشد. با این سیل شبهاتی که از زمین و زمان علیه ولایت و امامت مطرح است. و این تهاجمی گسترده‌ای که علیه فرهنگ تشیع مطرح است که در این ۱۴ قرن، نظیری نداشت، ما باید فاطمه وار در برابر این شبهات تمام قد دفاع کنیم و پاسخ دهیم و نگذاریم این شبهه افکنان در جامعه حضور پیدا کنند و شبهه افکنی کنند و افکار جوان‌های ما را متزلزل کنند.

ما اگر کوتاه بیاییم، - این را من قاطعانه عرض می‌کنم - فردای قیامت یقیناً پیش فاطمه زهرا شرمنده هستیم. زهرای مرضیه با آن وضعیت اش، یک لحظه از دفاع از حریم ولایت و پاسخگویی به شبهات غافل نشد. شما خطبه غرائی که زهرای مرضیه در مسجد می‌خواند را ببینید، به قول یکی از بزرگان می‌گوید تمام «نهج البلاغه» را که خلاصه کنید با خطبه حضرت زهرا در مسجد مساوی است. کلمات را ببینید، مفاهیم را ملاحظه کنید، جز کسی که از سرچشمه وحی، آب زلال علم نوشیده، از هیچ کسی این چنین خطبه‌ای ساخته نیست.

یکی از حساس‌ترین فرازی که صدیقه طاهره در خطبه دارد را من می‌خواهم امشب این جا مطرح کنم. حضرت می‌فرماید: شما آمدید قبل از آن که پیغمبر را دفن کنید، در «سقیفه» حضور پیدا کردید و برای کار خودتان توجیه شرعی و عقلی درست کردید؛

«رَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ»

طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، نشر مرتضی - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق، ج ۱:

ص ۱۰۱

گمان کردید که اگر در «سقیفه» حضور پیدا نکنید و خلیفه معین نکنید در فتنه سقوط می‌کنید در فتنه قرار می‌گیرید. قرآن هم می‌فرماید:

(أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ)

آگاه باشید آنها (هم اکنون) در گناه سقوط کرده‌اند؛ و جهنم، کافران را احاطه کرده است!

سوره توبه (۹): آیه ۴۹

حضرت فرمود: شما با این کارتان در متن فتنه قرار گرفتید، در گودال فتنه قرار گرفتید و جهنم خدا و آتش خدا در انتظار شما است. چقدر زیبا و عالی!

می‌گویند شما تصور کردید اگر جنازه پیغمبر را دفن کنید یک روز یا دو روز به تأخیر بیافتد در جامعه فتنه ایجاد می‌شود!! آیا این تفکر، تفکر درستی بود؟ شما خواستید از چاله بیرون بیایید ولی در چاه قرار گرفتید. بعد سخنان بسیار زیبای دیگری که می‌فرماید.

جولان فتنه گران ولایت، در «اصفهان»!

من فعلاً بنا به پرداختن به کل خطبه حضرت زهرا را ندارم. امروز فتنه گران در داخل و خارج و در رسانه‌های بین‌المللی و در فضای مجازی دارند نسبت به عقائد شیعه، مبانی اعتقادی اهل‌بیت، فتنه‌گری و شبهه افکنی می‌کنند، و - عذر می‌خواهم - لجن پراکنی می‌کنند.

شهر «اصفهان» شما، سابقه درخشان ولایی دارد، بیش از هزار و اندی سال شهر شما در خط مقدم دفاع از حریم ولایت بوده است.

در جنگ تحمیلی «دفاع مقدس»، استان نمونه کشوری معرفی شد؛ ولی ما می‌بینیم بیش از دیگر شهرها، در شهر شما فتنه گران ولایت، فتنه‌گری می‌کنند و شبهاتی پخش می‌کنند و در رسانه‌های مجازی، مطالب نادرستی بیان می‌کنند.

من تأسف می‌خورم، من خدمت «آیت‌الله طباطبائی»، نماینده محترم ولی فقیه به طور مفصل صحبت کردم. با آیت‌الله «مقتدائی» به طور مفصل صحبت کردم. امروز هم در مدرسه‌شان در سخنرانی که من داشتم، به طور مفصل گفتم.

متأسفانه الان فتنه گری‌های ولایت، در سطح کشور مطرح است. بنده دارم رسماً اعلام می‌کنم، با اینکه بنده بیش از ۲۵ سال است با وهابیت سر و کله می‌زنم و حتی می‌خواهم در خواب هم با این وهابی‌ها سر و کله می‌زنم؛ ولی امروز فتنه‌گری‌های ولایت، خطرشان بیشتر از وهابیت است!!

امروز بعضی از عمامه به سرهای شهر شما، شبهاتی مطرح می‌کنند که والله، تالله، قسم به عصمت زهرا، وهابی‌ها این شبهات به ذهن‌شان نمی‌آید. وقتی اینها همچین شبهه‌ای مطرح می‌کنند، خطبا و اساتید شما کجا هستند؟ منبری‌های شما چرا نمی‌آیند به این شبهات جواب بدهند؟

نزدیک‌های عید، در یک هفته، سه تیم از «اصفهان» به «قم» منزل بنده آمدند و گفتند: یک آقای است که عنوان آیت‌الله را یدک می‌کشد، به قول خودش اجازه اجتهاد از بعضی از مراجع مثل آقایان «منتظری» و «صانعی» - یا به قول آقای «خزعلی» می‌گفت آیت‌الله مصنوعی - یا از دیگران دارد. و نیز درس خارج تدریس می‌کند و یک شبهاتی مطرح می‌کند، شما بیایید با ایشان یک مناظره‌ای انجام بدهید. گفتم: در «حوزه علمیه اصفهان» کسی نیست بیاید شبهات این آقا را جواب بدهد؟

اهتمام امام حسن عسکری به پاسخگوئی به شبهات!

وقتی به امام عسکری خبر دادند «اسحاق کندی» نسبت به قرآن شبهاتی مطرح می‌کند، امام عسکری یک جمله زیبایی دارد؛ من می‌خواهم همین جمله را امروز به شما گرامیان عرض کنم. حضرت فرمود:

«أ مَا فِيكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ»

در میان شما یک جوانمرد نیست که شبهات این «اسحاق کندی» را پاسخ بدهد!؟

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت)؛ نویسنده: محمد باقر بن محمد تقی، ناشر: دار

إحياء التراث العربي، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۱۰، ص ۳۹۲

افرادی که خدمت امام یازدهم بودند عرض کردند آقا جان! ایشان استاد است و درس و تدریس دارد، ما توانائی پاسخگویی به شبهات او را نداریم. امام عسکری کارهایش را رها می‌کند و کلاس آموزش پاسخگویی به شبهات را برای این‌ها قرار می‌دهد.

آقا! ایشان این را می‌گویند، جوابش این است. این مطلب را مطرح می‌کند، پاسخش این است. وقتی که دوره آموزش پاسخ به شبهات تمام می‌شود، این‌ها می‌آیند در برابر «اسحاق کندی» شروع می‌کنند با این شخص بحث و مناظره کردن و در همان ساعت اول و لحظات اول، او را می‌خکوب می‌کنند و کمرش را به زمین می‌زنند.

«اسحاق کندی» مات و مبهوت می‌ماند، می‌گوید: شما خیلی وقت است با من ارتباط دارید! این حرف‌ها، حرف‌های شما نیست، شما این‌ها را از کجا آوردید؟

می‌گویند: در خدمت امام عسکری، دوره پاسخگویی به شبهات دیدیم. گفت: بله ایشان راست می‌گویند. من اشتباه می‌کردم، من از اشتباهم برگشتم و توبه کردم و دیگر این شبهات را مطرح نمی‌کنم؛ ما باید اینچنین باشیم.

یا خدمت آقا امام عسکری (سلام الله علیه) می‌آیند - شما کتاب «احتجاج طبرسی» جلد ۱، صفحه ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ را مطالعه کنید - می‌گویند: ما در یک منطقه‌ای هستیم که یک نفر آن‌جا شبهاتی در رابطه با افضلیت ابابکر و عمر بر امیرالمؤمنین مطرح می‌کند و ما توانایی پاسخگویی نداریم، آقا امام عسکری می‌فرماید:

«أَنَا أَبْعَثُ إِلَيْكُمْ مَنْ يُفْحِمُهُ عَنْكُمْ»

من یکی از شاگردانم را با شما می‌فرستم، کاری کند که این بابا خفه خون بگیرد نتواند حرف بزند.

شما به کلمه «فَحَمَّ و أَفَحَمَّ» مراجعه کنید ببینید معنایش چیست؟

«و يُصَعِّرُ شَأْنَهُ لَدَيْكُمْ»

این را آن‌چنان پیش شما بی‌آبرو کند که جرأت بیرون آمدن از خانه نداشته باشد.

بعد آقا امام عسکری یکی از شاگردهایش را می‌فرستد با او بحث می‌کند:

«فَأَفَحَمَهُ»

آن‌چنان این فرد را بی‌آبرو کرد، آن‌چنان خلع سلاح علمی کرد که:

«لَا يَذِرِي فِي السَّمَاءِ هُوَ، أَوْ فِي الْأَرْضِ»

این بابا ندانست که الان در آسمان‌ها و یا در زمین است؟

التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري (عليه السلام)؛ نویسنده: حسن بن علی علیه السلام، امام

یازدهم، محقق / مصحح: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ص ۳۵۳

عزیزان! ما باید در برابر این شبهات اینچنین باشیم. اگر یک شبهه‌ای مطرح می‌شود هواس‌مان را جمع کنیم و

ببینیم اهل بیت (علیهم السلام) برای این شبهات چه گفتند؟

اظهارات عجیب فتنه‌گر اصفهان، درباره امیرالمؤمنین و حضرت زهرا (سلام الله علیهما)

این بابا یک جزوه تدریس دارد، در دانشگاه و حوزه کلاس دارد، در «نجف آباد» شما، در «کتابخانه حکیم»

جلسات دارد، در «حسینه اعظم» سخنرانی دارد.

ایشان یک سری مطالبی مطرح می‌کند که خدا می‌داند وهابی‌ها همچین مطلبی بلد نیستند؛ بی‌پرده بگویم شیطان هم عقلش به این‌جا نمی‌رسد!

ایشان می‌گوید: "اصلاً غدیری در کار نیست، اصلاً پیغمبر علی را برای امامت در «غدیر» نصب نکرد! بلکه کاندیدا معرفی کرد و علی هم رأی نیاورد!" خاک بر سر این تفکر، آتش به دهان این تفکر! ایشان دارد که: "آیه:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)

امروز، دین شما را کامل کردم.

سوره مائده (۵): آیه ۳

اصلاً مربوط به «غدیر» نیست، بلکه در «عرفه» نازل شده است. اصلاً این‌که علما می‌گویند پیغمبر نام ائمه را برده، همه این‌ها دروغ است، خود امام‌ها نمی‌دانستند امام بعدی چه کسی است؟" خدا می‌داند وقتی جزوه تدریس این آقا را برای من خواندند، سر درد گرفتم، که این‌ها کجا دارند می‌روند؟

(فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ)

پس به کجا می‌روید!؟

سوره تکویر (۸۱): آیه ۲۶

یا دارد که: "این‌که علی، خلیفه منصوب است، این را نه پیغمبر گفته، نه علی ادعا کرده، نه ائمه گفتند. این‌ها را «بنی امیه» درست کردند." دوستان عزیز و سروران من! هیچ وهابی والله همچین حرفی نزدند که این آقا دارد می‌زند.

بعد می‌گوید: "ما در «ایران» با سلسله و فرهنگ شاهنشاهی بزرگ شدیم و چون شاهی، شاه بعد خودش را نصب می‌کند، تصور می‌کنیم که امامت هم یک شاهنشاهی است، هر امامی، امام بعد خودش را منصوب می‌کند!!"

بعد در آخر می‌گوید: "تصور نکنید «ولی فقیه» هم منصوب است، همان‌طوری که نصب ائمه دروغ است، نصب «ولایت فقیه» هم دروغ است!!"

من حدود سی، سی و پنج روز قبل به «اصفهان» شما آمدم و ۶ ساعت با این مرد مناظره داشتم. مناظره را هم به صورت صوتی، تصویری در سایت حضرت ولیعصر گذاشتیم دوستان می‌توانند ببینند. در تلگرام، واتساپ، فیس بوک و توئیتر هم گذاشتیم دوستان ببینند.

قسم به حضرت زهرا که امشب، شام شهادتش است، در این ۶ ساعت، ۶ تا کلمه که آدم بتواند بنویسد که این حرف درست و حسابی است، یک آخوند شیعه این را از آیات و روایات استفاده کرده، قسم به حضرت زهرا من ندیدم، همه مطالبش وجود دارد شما می‌توانید ببینید.

برای من خیلی دردناک است، من بیش از ۲۰-۲۵ سال با وهابی‌ها سر و کله می‌زنم دوستانی که برنامه‌های بنده را در ماهواره‌ها دیدند، می‌دانند من ۴ سال در «شبکه سلام»، ۸ سال در «شبکه ولایت» و نیز در شبکه‌های «عربستان سعودی»، مثل شبکه «المستقله» مناظره داشتم. و همچنین در «شبکه نور» اهل سنت «افغانستان» مناظره داشتم.

من انتظار نداشتم یک روزی بیایم با یک آخوند شیعه بنشینم مناظره کنم؛ واقعاً برای من خیلی دردناک است. این آقا دیشب سخنرانی داشته، امروز ساعت تقریباً ۴:۰۰:۱۲ دقیقه روی کانالش گذاشت است. من معمولاً با

توجه به حساسیتی که دارم هر شب دو سه ساعت در فضای مجازی هستم تا ببینم این معاندین چه حرفهایی دارند مطرح می‌کنند!

ما دیشب «شیراز» بودیم، با پرواز هم آمدیم، صبح هم یکی دو تا جلسه داشتیم و من فرصت نکردم سخنرانی‌اش را مطالعه کنم. امشب بعد از نماز مغرب، سخنرانی این آقا را که دیشب هم سخنرانی کرده و برای ده ماه قبل هم نیست مطالعه کردم، ایشان در سخنرانی خودش در چند جا برای فاطمه زهرا کلمه «وفات» را مطرح می‌کند. گفتم خدایا چرا کلمه وفات را استفاده می‌کند؟

بعد دیدم یکی از آقایان می‌پرسد: شما چرا کلمه «شهادت» را به زبان نمی‌آوری؟ می‌گوید: "کلمه شهادت، اختلاف بی‌حاصل است ولذا من واژه شهادت را استعمال نمی‌کنم!"

من نمی‌دانم شهادت حضرت زهرا چه اختلاف بی‌حاصل است؟ در داخل کشورمان رسانه‌ها می‌گویند «شهادت»! در بیوتات مراجع می‌گویند «شهادت»! در بیت رهبری می‌گویند «شهادت»! زمان امام راحل می‌گفتند «شهادت».

این شهادت، اختلاف بی‌حاصل است؟! من که نفهمیدم! اگر کسی فهمیده لطف کند برای من توضیح بدهد «نحن ابناء الدلیل»!

بله، بین شیعه و وهابیت اختلاف است. وهابی‌ها از ده دوازده سال قبل می‌گفتند «افسانه شهادت»! مثل «گرگیچ» آخوند سلفی منطقه «گرگان» یا آقای «فاروقی» امام جمعه «بیرجند» که بیانه‌ای هم داده بود. آن‌ها می‌گویند: شهادت حضرت زهرا افسانه و اختلاف است؛ ولی در میان شیعه که ما اختلافی نداریم. این یعنی مشخص است:

(فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ)

در دل‌های آنان یک نوع بیماری است؛ خداوند بر بیماری آنان افزوده؛ و به خاطر دروغ‌هایی که میگفتند، عذاب دردناکی در انتظار آنهاست.

سوره بقره (۲): آیه ۱۰

ان شاء الله صدیقه طاهره به کمر این‌ها بزند. البته این‌ها یکی دو تا هم نیستند. الان هفت - هشت تا آخوند در شهر شما هستند که شبانه روز دارند این لاطائلات را در فضای مجازی منتشر می‌کنند.

البته من از این‌ها که با این افراد برخورد فیزیکی و توهین بشود صد در صد مخالف هستم؛ چون برخوردهای فیزیکی این‌ها را بت می‌کند. این‌ها از خدای‌شان است این لاطائلات را بگویند دو تا جوان شیعه و طلبه و مؤمن با این فرد درگیر بشود بعد یک فیلمی بگیرند و در فضای مجازی منتشر کنند و بگویند ما امنیت نداریم.

فردا همین باعث می‌شود که پناهنده به «غرب» و «آمریکا» بشوند. ولذا من با هرگونه برخورد فیزیکی به این افراد مخالف هستم و یقیناً هم به صلاح شیعه نیست.

این‌ها را همان‌طوری که آقا امام عسکری فرمود باید این‌ها را مفتضح علمی کرد، این‌ها را خلع سلاح علمی کرد، این‌ها را در مسجد، در حسینیه، در کتابخانه، در دانشگاه در حوزه که می‌روند تدریس می‌کنند حرف‌هایش مطرح بشود جوابش هم کنارش باشد. مردم بفهمند این حرف‌ها، حرف‌های شیعه نیست، حرف‌های وهابی‌ها است.

من در این مناظره به او گفتم: شما که می‌گویید من نوآوری دارم و اسم کانالش را «باز اندیشی دینی» گذاشته، گفتم: شما می‌گویید آیه: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) در «غدیر» نازل نشده و در «عرفه» نازل شده! آقای

«عابدینی» ۱۴۰۰ سال قبل خلیفه دوم گفت: **(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)** در «عرفه» نازل شده! این چه نو آوری است که شما دارید؟

خیلی از حرف‌هایی که شما دارید می‌زنید «ابن تیمیه» ۸۰۰ سال قبل گفته، «محمد ابن عبدالوهاب» ۳۰۰ سال قبل گفته است. الان در رسانه‌های وهابی، همین حرف‌ها را دارند می‌زنند. این چه نو آوری دینی است که ما بیاییم چوب حراج بر فرهنگ اهل بیت بزنیم؟!

خیلی جالب است ظاهراً یکی از مخاطبینش از این آقا سوال می‌کند در زیارتنامه‌ها کلمه شهادت آمده، در جواب می‌گوید: «شیخ صدوق» و «شیخ مفید» آن را از خودشان بافتند. " این حرف برای سخنرانی دیشب ایشان است، برای ده سال قبل نیست.

ای بی‌انصاف و بی‌وجدان، خائن به اهل بیت! «کلینی» صاحب کتاب «کافی» چه موقع از دنیا رفته؟ ایشان ۳۲۹ از دنیا رفته و کتابش را حدود سیصد سال بعد از رحلت پیغمبر نوشته، از امام کاظم، امام کاظم چه موقع به شهادت رسیده؟ سال ۱۸۳ آن هم به زبان امام صادق است که ۱۴۸ شهید شده؛ کتاب «کافی» در خانه همه است، جلد ۱، صفحه ۴۵۸ از قول امام صادق دارد:

«إِنَّ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَام) صِدِّيقَةٌ شَهِيدَةٌ»

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ص ۴۵۸

این مال شیعه و امام کاظم است، آیا امام کاظم هم این عبارت را از خودش ساخته است؟ ای کاش شما به اندازه آخوندهای سنی بی‌غرض وجدان داشته باشید.

آقای «جوینی» استاد «ذهبی» متوفای ۷۷۲ از قرن ۷ و ۸ بوده کتابی به نام «فرائد السمطین» دارد جلد ۲، صفحه ۳۴، قضیه شهادت حضرت زهرا را به طول مفصل مطرح می‌کند. شکسته شدن پهلوی حضرت زهرا را مطرح می‌کند. غصب حقوقش را مطرح می‌کند. حرمت شکنی فاطمه زهرا را مطرح می‌کند. شما به اندازه سنی وجدان داشته باشید چرا این چنین مطالبی را مطرح می‌کنید؟

حالا چهار تا جوان و طلبه نا آگاه پای صحبت شما می‌نشینند، تصور می‌کنند که بله این حرف‌ها، حرف‌های درستی است. چرا باید این چنین باشد؟ من واقعاً تأسف می‌خورم!

من منبری و سخنران نیستم، کار ما تحقیق و پژوهش است، کارهای علمی و آموزشی انجام می‌دهیم؛ ولی وقتی حضرت آیت‌الله «مقتدائی» به من زنگ زد و گفت شما روز شهادت بیایید برای سخنرانی، ما گفتیم چشم! در «شیراز» نزدیک ۲۰۰ نفر از معلم‌های نمونه استان را جمع کرده بودند روش پاسخگویی به شبهات برای آن‌ها آموزش می‌دادیم. قبلش هم «دانشگاه شیراز» برای اساتید برنامه داشتیم؛ کار ما آموزش است.

ولی من روی اهمیت کار، این قضیه را قبول کردم و آمدم تا حرفم را بزنم، فردای قیامت تمام آقایان که نشستید خانم‌های که صدای من را می‌شنوید، پیش حضرت زهرا آن‌جا بگویم من رفتم گفتم! وظیفه من گفتن بود، مابقی به عهده من نیست یک کار و اقدامی بکنید.

سال گذشته جناب حاج آقای «طباطبائی» سرور عزیزمان که من ارادت ویژه خدمت این بزرگوار دارم، گفت: آقای «قزوینی»! «دادسری ویژه» ایشان را محدود کرده، دیگر شما خیلی نگران نباشید! حضرت آیت‌الله «مقتدائی» هم نشسته بود، ما هم در منزل ایشان بودیم.

من بعد از روضه گفتم: جناب آقای «طباطبائی» بزرگوار! فرمایش شما درست؛ ولی ایشان دو هفته قبل «اردوی دانشجویی» از «اصفهان» به «مشهد» برده بود و هر چه بلد بود در مخ این‌ها فرو کرده!!

همین هفته گذشته روز سه‌شنبه در «حسینیه اعظم نجف آباد» سخنرانی داشت و همین الان حاج آقای «طباطبائی»! ساعت ۳۰:۷ که ما خدمت شما هستیم در «خیابان جی» نزدیک دفتر شما ایشان سخنرانی دارد!!

ایشان گفت: فلانی این اطلاعات را شما از کجا آوردید؟ گفتم: ما یک عمری گدائی کردیم شب جمعه را بلد هستیم. ما مشتری‌های مان را خوب می‌شناسیم و دنبال مشتری‌های مان هستیم که این‌ها کجا می‌روند و کجا بساط پهن می‌کنند، کجا مشتری جمع می‌کنند! ایشان به یکی از مسئولین حوزه دستور داد که حتماً باید این مناظره صورت بگیرد.

آیا ائمه اطهار برای فاطمه زهرا، مجلس عزاداری گرفتند؟

جالب است یکی از حرف‌هایی که این آقا دیشب زده، این است که می‌گوید: مگر ائمه برای فاطمه زهرا، مجلس عزاداری گرفتند که شما دارید می‌گیرید؟ یعنی همه کارهای شما را ایشان به هوا زده است.

می‌گوید: "مگر امام صادق مجلس عزاداری برای فاطمه زهرا گرفته؟ امام کاظم مجلس گرفته که شما دارید می‌گیرید؟" من نمی‌دانم این‌ها چه مأموریتی دارند؟ دنبال چه هدفی هستند؟ مگر ائمه (علیهم السلام) آزادی عمل داشتند که بیایند مجلس عزا برای فاطمه زهرا بگیرند؟ اصحاب ائمه را در هر کوی و برزنی پیدا می‌کردند، قطعه قطعه می‌کردند.

«حجر بن عدی» با ده نفر از یارانش به جرم دفاع از علی، به جرم این‌که به علی ناسزا نمی‌گویند، مظلومانه در بیابان قطعه قطعه کردند و سلاخی کردند. «رشید حجری» را گفتند باید بیایی از علی تبری بجوی و گرنه سرت را می‌بریم. گفت: سرم که قابل علی را ندارد!

«عمرو بن حمق خزاعی» را به جرم این‌که به علی بد و بیراه نمی‌گوید و لعنت نمی‌کند سرش را بریدند و در تمام شهرها سر بریده‌اش را چرخاندند. می‌گویند اولین سری که در اسلام بالای نیزه در شهرها چرخاندند، سر «عمرو بن حمق خزاعی» است.

ماجرای «میثم تمار» را همه شنیدید که خدمت حضرت امیر می‌آید ظاهراً بعد از ضربت خوردن حضرت است خیلی گریه می‌کند و خیلی ناراحت است، می‌گوید آقا جان شما بروید همه ما یتیم می‌شویم بعد حضرت می‌گوید: «میثم!» اگر یک روزی به تو بگویند از علی براث بجوی چه کار می‌کنی؟

گفت: آقا قطعه قطعه‌ام بکنند نمی‌گویم. فرمود: دست و پا و زبانت را می‌برند، گفت: مگر زبان، دست و پای من ارزش دارد بخواهم تقدیم تو بکنم، جان من چه قابلی برای تو دارد؟! ادب و معرفت را نگاه کنید.

«عبداللہ زیاد» دستگیرش می‌کند، همان‌جا سخن امیرالمؤمنین را برایش مطرح می‌کند، «عبداللہ زیاد» می‌گوید: من برای این‌که ثابت کنم علی دروغ گفته، دست و پایت را می‌برم؛ ولی زبانت را نمی‌برم تا برای مردم ثابت بشود علی دروغ گفته است.

پای «میثم» را قطع می‌کنند، دستش را می‌برند، بالای درخت خرما دارش می‌زنند. دوستان اگر شاهرگ کسی را بزنند چه حالی پیدا می‌کند! خون از دست و پای «میثم» فواره می‌زند، همان‌جا بالای چوبه دار داد می‌زند: آی مردم من از علی روایت و مطلب زیاد شنیدم. اطراف این چوبه دار جمع بشوید تا این آخر عمری چند تا حرف از علی برای شما بزنم. همان‌جا بالای چوبه دار از علی دفاع می‌کند.

به «عبداللہ» می‌گویند: اگر این سخنرانی «میثم تمار» ادامه پیدا کند، مردم علیه تو می‌شورند. گفت: سریع بروید زبانش را هم قطع کنید. آن هم بالای چوبه دار، این‌ها این‌طوری بودند. آیا این‌ها می‌توانستند برای حضرت زهرا مجلس عزا بگیرند؟ من نمی‌دانم این حرف‌ها و مزخرفات چه است دارند می‌زنند؟

در زمان آقا امام صادق یک خانمی داشت راه می‌رفت پایش لیز خورد و به زمین خورد، کمرش درد گرفت همان‌جا یک نفرینی بر قاتلین حضرت زهرا کرد، مأمورین او را گرفتند و به زندان بردند. راوی می‌گوید من خدمت امام صادق آمدم گفتم آقا جان یک خانمی به زمین خورد کمرش درد گرفت همان‌جا قاتلین فاطمه را نفرین کرد و شرطه‌ها او را گرفتند.

امام صادق فرمود: برویم مسجد دعا کنیم تا این خانم نجات پیدا کند، می‌گوید: آمدم آقا امام صادق (سلام الله علیه) نماز خواند دعا کرد، از خدای عالم برای این خانم فرج خواست! می‌گوید ما از مسجد بیرون نیامده بودیم که دیدیم این خانم آزاد شد؛ یعنی این‌ها در این وضع بودند.

حضرت زهرا نه، آیا برای آقا امام حسین می‌توانستند عزاداری بکنند؟ برای آقا امام باقر (سلام الله علیه) یک فرجه‌ای پیدا شد و «بنی امیه» و «بنی العباس» با هم درگیر بودند و کاری با ائمه نداشتند، امام از این فرصت استفاده کرد.

یکی از وصیت‌های امام باقر این است ده سال در «منا» از مال شخصی خودم برای من عزاداری کنید. این‌ها هر فرصتی پیدا می‌کردند بحث عزاداری را مطرح می‌کردند.

ما این همه روایت در رابطه با عزاداری، در رابطه با گریه بر امام حسین، در رابطه با آن کسانی که قلب‌شان برای اهل بیت می‌تپد و محزون می‌شوند داریم؛ آن وقت ما بگوییم این‌طوری نبوده است. ائمه، برای فاطمه زهرا مجلس نگرفتند؛ پس ما هم نگیریم!

نمی‌دانم این‌ها دنبال چه هستند؟ می‌خواهند ذهن جوان‌های ما را متزلزل کنند، یا زمینه را برای آشوب‌های آینده فراهم کنند.

فتنه‌های جدید، از درون حوزه‌های علمیه شیعه!

یکی از آخوندهای حوزه ما مطالبی می‌گوید که بسیار دردناک است، بدبختی الان ما این است که این سرطان در درون حوزه‌های ما پیدا شده است!!

حالا آن جوان‌هایی که هستند که من نمی‌خواهم دنبال آن‌ها بروم. آن‌ها الی ماشاء الله هستند. اگر ما ده تا کانال در دفاع از اهل بیت داریم، این‌ها امروز ۱۲۰-۱۳۰ تا کانال در داخل کشور به زبان فارسی علیه شیعه دارند، که شبانه روز چهار نعل دارند می‌دوند.

امروز خدمت حاج آقای «مقتدائی» گفتم: این آقا در زمان مدیریت حضرتعالی بر حوزه‌های علمیه، مدرک «سطح ۳»؛ یعنی مدرک «ارشد» خودش را گرفته، آمده در کانالش، والله اصلاً وهابی‌ها که هیچی، این شبهات به مغز شیطان هم نمی‌رسد، ولی این آقا دارد این شبهات را مطرح می‌کند.

این آقا دارد می‌گوید: چه کسی گفته ما امام داریم؟ اصلاً عدد امام‌ها ۱۲ تا، ۱۴ تا، ۱۸ تا است چند تا است؟ شروع به مسخره کردن می‌کند. نسبت به وجود مقدس حضرت ولیعصر شروع به مسخره می‌کند. خدا می‌داند من بعضی وقت‌ها فضای مجازی و این‌ها را نگاه می‌کنم، سر درد می‌گیرم و تا صبح خواب از چشمم می‌رود.

در قضایای آبان ماه، این آقای معمم!! که عکس در کانالش هم با لباس و عمامه است می‌گوید: " کاری که جمهوری اسلامی می‌کند همان کاری است که فرعون می‌کرد، به مخالفینش می‌گفت این‌ها آشوبگر هستند و من توصیه می‌کنم آقایان به خیابان‌ها بریزند و مراکز دولتی و حوزه‌های علمیه را آتش بزنند!"

من نمی‌دانم مراکز امنیتی ما کجا هستند، خواب هستند یا توجه ندارند؟ اینها تبلیغات است که چهار تا آشوبگر را تحریک می‌کند و به خیابان می‌آورد، آن هم از زبان یک آخوند عمامه به سر!!

لزوم حرکت جدی برای پاسخگوئی به شبهات در فضای مجازی!

زیاد اذهان مبارک شما را مکدر نکنم. ولی آن‌چه که برای ما مهم است، در این حوزه باید کار کنیم و اگر خودمان می‌توانیم پاسخ بدهیم، پاسخ بدهیم.

ما نیروهای توانمند کم نداریم، در هر جا مخصوصاً «اصفهان» شما. اگر واقعاً خودمان توانایی نداریم، برویم سراغ کسانی که توانایی دارند؛ ولی متأسفانه این‌ها از فضای مجازی بی‌اطلاع و بی‌خبر هستند. نمی‌دانند در فضای مجازی چه می‌گذرد؟

همان فرمایش «مقام معظم رهبری» که فرمود: «فضای مجازی، قتلگاه جوان‌ها شده». ایشان دارد می‌بیند در فضای مجازی چه می‌گذرد؟ ایشان در یکی از جلساته‌ش فرمودند: اگر من رهبر نبودم، و بنا بود پستی انتخاب کنم، «مدیریت فضای مجازی جمهوری اسلامی» را قبول می‌کردم. مشخص است فضای مجازی خیلی فراتر از این‌ها است.

بچه چهار پنج ساله شما موبایل دستش گرفته و در فضای مجازی دارد می‌چرخد؛ من معتقد هستم همه شما عزیزان از پیر و جوان و... یک مقدار در این فضا ورود پیدا کنید و ببینید چه خبر است؟ مطالبی که می‌آید بروید از اهلش سوال کنید.

من در «تهران» یک جلسه‌ای در رابطه با شبهات داشتم، ده پانزده نفر از پزشکانی که همه فوق تخصص بودند در آن‌جا حضور داشتند، یکی از عزیزانی که من خیلی قبولش دارم و خیلی مذهبی هم است، در بیمارستان،

امام جماعت پزشک‌ها هست به من گفت: "فلانی دو هفته قبل یکی از دخترهایم که به دانشگاه می‌رود، یک سوالی کرده که من نه تنها جوابش را بلد نبودم بلکه خودم هم گرفتار و درگیر شدم."

این‌که «مقام معظم رهبری» می‌گوید: "فضایی مجازی قتلگاه شده" همین است. عزیزان! شبهه در یک ثانیه در ذهن می‌آید؛ ولی ساعت‌ها طول می‌کشد این شبهه از ذهن بیرون برود.

علمای شیعه! آتش به اختیار؛ شبهه افکنان را بی‌آبرو کنید!

روایتی را مرحوم «طبرسی» در «احتجاج» جلد ۱، صفحه ۱۹ و «علامه مجلسی» در «بحار» جلد ۲، صفحه ۵ از آقا امام صادق (سلام الله علیه) مطرح می‌کند. خیلی روایت عجیبی است من همیشه این روایت را برای رفقای روحانی‌مان مطرح می‌کنم.

امام می‌فرماید:

«عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابُطُونَ»

در روایات ما عبارت «علماء» که می‌گویند؛ مراد آخوندهای عمامه به سر نیست. بلکه آن‌هایی که از علم بهره بردند، چه معلم، چه دبیر، چه استاد دانشگاه، چه بقال، چه بزاز، چه نجار که علم دارد از او تعبیر به «عُلَمَاءُ» می‌کنند. فرمود:

«عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابُطُونَ بِالتُّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَّارِيئَهُ»

علمای شیعه ما مرزبان هستند.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، دار إحياء التراث

العربي - بيروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق. ج ۲، ص ۵

در مورد کلمه «مرباط» شما به کتب لغت مراجعه کنید. «مرباط»، به آن سربازانی می‌گویند که در سرحدات، شبانه روز مراقب هستند تا دشمن وارد خاک وطن نشود. علمای شیعه و اندیشمندان ما، همه مرزداران تشیع هستند که نمی‌گذارند شیطان وارد حوزه اعتقادی و فرهنگی شیعه بشود، و جوان‌های شیعه را آلوده به شبهه بکند.

این هم می‌دانید در دنیا تنها یک طیف هستند که آتش به اختیار هستند، یعنی به مجرد دیدن خطر باید آتش کند. آن هم کسانی هستند که در سرحدات هستند. لازم نیست که فرمانده به اینها دستور بدهد.

ولذا امام صادق به علمای شیعه «مرباط» می‌گوید. این‌ها آتش به اختیار هستند هر کجا شبهه دیدند با تمام توان ورود می‌کنند و شبهه‌گر را مفتضح و بی‌آبرو می‌کنند.

آقا امام صادق در یک روایت دیگر که کتاب «احتجاج» جلد ۱، صفحه ۱۹ نقل می‌کند می‌فرماید: این‌هایی که شبهه مطرح می‌کنند، این‌ها باید خار بشوند، علمای ما باید:

«يَكْسِرُهُمْ عَنْهُمْ وَيَكْشِفُ عَنْ مَخَازِيهِمْ وَيُبَيِّنُ عَوَازَهُمْ»

طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسي)، نشر مرتضی - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق، ج ۱؛

ص ۱۹

می‌فرماید این‌ها را باید بی‌آبرو بکنند و حیثیت‌شان را به باد بدهند؛ یعنی ما این‌جا در برخورد با شبهه افکنان خط قرمزی نداریم. خط پایانی داریم که آن هم این است که این‌ها را باید خار و بی‌آبرو کرد تا دیگر کسی به حرف این‌ها گوش ندهد.

در روایتی که در احتجاج جلد ۱، صفحه ۱۹ عرض کردم و «مجلسی» در جلد ۲، صفحه ۵ نقل می‌کند، امام صادق می‌فرماید علمای شیعه ما، دانشمندان شیعه ما، این‌ها مرزبان هستند.

بعد می‌دانید چه جمله‌ای در آخر حدیث دارد؟ آن‌هایی که واقعاً دنبال این هستند برای فردای قیامت‌شان توشه بردارند، برای سرازیری قبرشان می‌خواهند توشه تهیه کنند، پیش حضرت زهرا می‌خواهند آبرو داشته باشند. ببینید امام صادق چه جمله‌ای دارد می‌گوید:

«فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا»

آن‌هایی که در حوزه پاسخگویی به شبهات در دفاع از حریم ولایت کار می‌کنند.

«كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ الثُّرُكَّ وَ الخَزَرَ أَلْفَ أَلْفِ مَرَّةٍ»

یک پاسخگو به شبهات، از یک میلیون رزمنده در میدان جنگ افضل است.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، دار إحياء التراث

العربي - بيروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق. ج ۲: ص ۵

این همه ثواب ریخته حتی برای خدا و اهل بیت هم نیست. برای این‌که برای خودمان یک آذوقه‌ی تهیه کنیم و ذخیره‌ای برای قیامت‌مان داشته باشیم! از این بهتر؟ می‌گوید یک مجاهد فرهنگی، یک مدافع ولایت، یک پاسخگو به شبهات، از یک میلیون رزمنده‌ای که شبانه روز در میدان جنگ در برابر دشمن جهاد می‌کند افضل و بالاتر است!!

ولذا یک مقداری ما دقت کنیم و فردای قیامت قطعاً همه مسئول هستیم، وقتی نشنیده بودید مسئله و تکلیفی نداشتید، ولی الان شنیدید و بنده عرض کردم فردای قیامت پیش حضرت زهرا می‌گویم یا زهرا ما شام غریبان

تو رفتیم و برای مردم گفتیم. امروز هم در مدرسه علمیه «حاج آقای مقتدائی» جمعیت انبوهی بود آن جا هم گفتم.

جلسات دیگر هم داشتم گفتم. من اهل مجامله هم نیستم که بیایم بگویم باید ملاحظه کنیم و نام نبریم و چه و چه؛ نه، چون اهل بیت فرمودند نسبت به شبهه گران ملاحظه نداشته باشید. اینها باید رسوا و بی آبرو بشوند.

عرض کردم صدیقه طاهره هم وقتی مسجد می آید می گوید شما تصور می کردید این که جنازه پیغمبر را در دست ما گذاشتید و در «سقیفه» رفتید و دنبال خلیفه بازی بودید و «منا امیر و منکم امیر» گفتید؛

«رَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ»

دلائل الإمامة (ط - الحديثة)؛ نویسنده: طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، محقق / مصحح: قسم

الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة ناشر: بعثت ص ۱۱۶

تصور می کردید که در فتنه قرار نگیرید.

(أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ)

آگاه باشید آنها (هم اکنون) در گناه سقوط کرده اند؛ و جهنم، کافران را احاطه کرده است!

سوره توبه (۹): آیه ۴۹

همه شما داخل فتنه شدید. شما از چاله در آمدید وارد چاه شدید. بعد صدیقه طاهره فرمود: (وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ

بِالْكَافِرِينَ)؛ دیگر از این بهتر و واضح تر؟ فاطمه زهرا از این رساتر سخن بگوید!؟

می‌فرماید: بدانید ندائی سر دادید و شیطان به ندای شما لبیک گفت؛ سخنی گفتید که رضای خدا و پیغمبر نبود، و رضای شیطان بود و بدانید جهنم و آتش جهنم و شعله‌های آتش جهنم در انتظار شما است.

شما این دو تا خطبه فاطمه زهرا را برای بچه‌های‌تان، برای طلبه‌ها مسابقه بگذارید، آن‌هایی که سرمایه دارید برای حضرت زهرا کار کنید و یک مسابقه بگذارید و هدایای خوبی بدهید. بگذارید جوان‌های ما خطبه حضرت زهرا را حفظ کنند.

عرض کردم یکی از علمای بزرگ می‌گوید: شما کل «نهج‌البلاغه» را خلاصه کنید خطبه فاطمه زهرا می‌شود. این خطبه را در میان جوان‌های‌مان و در جامعه‌مان رشد و رواج بدهیم و خودمان یک مقداری مطالعه کنیم ببینیم حضرت زهرا با این‌ها چه گفته و چه فرمایشی داشته است؟

این‌که صدیقه طاهره از پشت در خانه‌اش خطبه می‌خواند، در مسجد خطبه می‌خواند، در بستر بیماری افتاده و حال حرکت ندارد و زنان «مهاجرین» و «انصار» به عیادتش می‌آیند خطبه می‌خواند، اینها چه پیامی برای من و شما دارد!؟

به تعبیر حضرت امیر که می‌گوید من همسرم زهرا را سوار الاغی کردم، درب خانه «مهاجرین» و «انصار» را می‌زدم، زهرا برای این‌ها حرف می‌زد اتمام حجت می‌کرد. آن وقت ما راحت بنشینیم! دوستان این انصاف است؟

زهرا می‌توان راه رفتن ندارد، می‌گوید او را سوار بر حیوان می‌کردم، حسن و حسین جلوی علی ابن ابیطالب پشت سر در خانه «انصار» و «مهاجرین» را می‌زند، فاطمه زهرا سخن می‌گوید و اتمام حجت می‌کند.

ولی متأسفانه متأسفانه یک نفر پاسخ نمی‌دهد. می‌گویند یا زهرا حالا ما دیگر بیعت کردیم تمام شد و رفت. بعضی‌ها می‌گویند یا زهرا اگر این حرف‌هایی که الان می‌زنی قبل از بیعت می‌زدی ما با آنها بیعت نمی‌کردیم! حضرت فرمود شما تصور کردید ما جنازه پیغمبر را رها می‌کردیم و برای اتمام حجت می‌آمدیم! مگر پدرم رسول اکرم در «غدیر» چیزی باقی گذاشت که نگوید؟

«هَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خَمٍّ لِأَحَدٍ عُدْرًا»

الخصال، ابن بابویه، محمد بن علی، جامعه مدرسین - قم، چاپ: اول، ۱۳۶۲ش، ج ۱؛ ص ۱۷۳

پدرم در «غدیرخیم» همه را گفت. مگر چقدر فاصله است؟ ۷۱ - ۷۲ روز «غدیر» با رحلت پیغمبر فاصله دارد. حالا «غدیر» را کنار بگذاریم. خدای عالم در قرآن به صراحت در سوره شعراء از زبان حضرت نوح می‌گوید:

(وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ)

من برای این دعوت، هیچ مزدی از شما نمی‌طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است!

سوره شعراء (۲۶): آیه ۱۰۹

آی نوح این زحماتی که می‌کشی ۹۵۰ سال برای هدایت مردم تلاش کردی، به مردم بگو من از شما اجر نمی‌خواهم؛ اجر من با خدا است. حضرت هود همین را می‌گوید. حضرت شعیب همین را می‌گوید؛ ولی نوبت به پیغمبر می‌رسد ورق بر می‌گردد و می‌گوید:

(قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)

بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [= اهل بیتم]!»

من از شما مسلمان‌ها اجر می‌خواهم! من پاداش رسالت از شما می‌خواهم! پول و مقام و منصب و می‌خواهم؟
نه، من پاداش رسالتم را از شما مودت اهل‌بیت می‌خواهم! ولی این‌ها چه کار کردند؟

اگر به جای (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)؛ خدا گفته بود: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الظلم فی القربى»؛ پاداش رسالتم را، ظلم به اهل‌بیت می‌خواهم، بیش از این می‌کردند؟ به تعبیر امیرالمؤمنین:

«وَ الْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ وَ الرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ ابْتِدَاراً زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ»

طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، نشر مرتضی - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق، ج ۱؛
ص ۱۰۱

هنوز جنازه پیغمبر دفن نشده، آب غسل پیغمبر خشک نشده، به خانه صدیقه طاهره می‌ریزند و به آتش می‌کشند.

ذکر مصیبت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

صدیقه طاهره می‌گوید: "بین در و دیوار فشارم دادند، پهلویم را شکستند، سینه‌ام را مجروح کردند، محسنم را شهید کردند."

«فَسَقَطْتُ لِوَجْهِی»

با رو به زمین افتادم.

«وَ النَّارُ تُسَعَّرُ»

آتش از در خانه من شعله می‌کشید.

آن‌هایی که اهل ادبیات هستید بروید کلمه «سَعَرَ» را ببینید معنایش چه است؟ «وَالنَّارُ تُسَعَّرُ»؛ یعنی شعله‌های آتش از خانه من زهرا بلند شد.

«وَتَسْفَعُ وَجْهِي»

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت): نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ناشر: دار

إحياء التراث العربي، محقق/ مصحح: جمعی از محققان، ج ۳۰، ص ۳۴۹

ببینید کلمه «سَفَعُ» یعنی چه؟ می‌گویند این‌ها آن‌چنان سیلی به صورت‌م زدند که صورت‌م سیاه شد، کلمه «سَفَعُ» با سین و عین یعنی سیلی زدنی که اثر سیلی در صورت بماند و صورت را سیاه کند!

این در منابع شیعه با سندهای معتبر آمده است. دیگر کسی نمی‌تواند انکار کند. این مطلب را مرحوم «صدوق» در «امالی صدوق» آورده، مرحوم «مفید»، «سلیم بن قیس» آورده «طبرسی» در «احتجاج» خودش آورده؛ «علامه مجلسی» در «بحار» خودش آورده؛ در دهها جا این قضیه آمده است.

اگر پیغمبر فرموده بود اجر رسالت من ظلم به اهل بیت من است، بیش از این می‌کردند؟ با امام مجتبی چه کار کردند؟ این‌که می‌آیند جنازه امام حسن را تیر باران می‌کنند آیا در تاریخ همچنین چیزی داشتیم؟ آن هم جنازه فرزند و صحابی پیغمبر!

بابا امام مجتبی، امام نیست، خلیفه و وصی پیغمبر نیست، صحابی پیغمبر که هست، پاره تن پیغمبر که هست؛

آقایان برای تیر باران کردن جنازه امام حسن چه توجیهی دارند؟

امیرالمؤمنین را مظلومانه در محراب شهید می‌کنند، سید شهادت را که کمتر از ۵۰ سال از رحلت پیغمبر گذشته با آن وضع، عزیزانش را قطعه قطعه می‌کنند، زنانش و اهل‌بیتش را مظلومانه و به صورت ذلیلانه به اسارت می‌برند.

اگر خدای عالم نگفته بود (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ)؛ می‌گفت «الا الظلم فی القربی» بیش از این می‌کردند؟ با امام سجاد چه کار کردند؟ با امام باقر چه کار کردند؟ با امام صادق و امام عسکری چه کار کردند؟ یک وقتی با این وهابی‌ها بحث داشتم، یکی شان برگشت گفت: چرا امام زمان غائب است و نمی‌آید علناً تبلیغ دین کند؟ گفتم: شماها با اجداد و پدران‌شان چه کار کردید؟ و با آقا امام زمان شما چه کار می‌کنید؟ من بیش از این مصدع عزیزان نشوم. امیدوارم که ان شاء الله بحث‌های ما و زحماتی که شماها می‌کشید، ذخیره‌ای باشد برای روزی که:

(يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ)

در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد.

سوره شعراء (۲۶): آیه ۸۸

من نمی‌دانم در خانه علی چه اتفاقی افتاد؟ در خانه علی چه مسائلی رخ داد؟ چهار تا بچه قد و نیم قد بودند بزرگ‌ترین بچه حضرت زهرا، ۷ ساله بود، بقیه کوچک هستند یک عده هجوم بیاورند، دَرِ خانه را آتش بزنند، مادر را کتک بزنند و به زمین بیاندازند و بچه‌اش را شهید کنند، علی را ببرند این بچه‌ها چه کار می‌کردند؟ یک لحظه تصور کنید یک همچین اتفاقی برای ما افتاده، بچه‌های کوچک ما چه کار می‌کنند و چه بال بال می‌زنند به قول آن شاعر می‌گوید:

در که آتش گرفت / رنگ حیدر پرید / سینه‌ی من شکست / قامت او خمید / در که آتش گرفت / زینب مضطرب
نالہ زد / ای خدا کشته شد مادرم!

امیرالمؤمنین از اتاق بیرون می‌آید، آن‌ها مشغول هستند، یک موقع سر و صدا ایجاد می‌شود، صدای ناله زهرا
بین در و دیوار «یا ایتا، یا رسول الله!»

من در روزهایی که برای خودم می‌خوانم عرضه می‌کنم زهرا جان! اگر یک خانمی در سختی و مشکل قرار
بگیرد، اول کسی که صدا می‌کند همسرش است؛ ولی چرا بین در و دیوار نگفتی یا علی ادرکنی؟ چرا بین در و
دیوار گفتی «یا ایتا یا رسول الله»؟ بابا یا رسول الله، ببین با دخترت چه کار کردند؟

امیرالمؤمنین از اتاق بیرون می‌آید می‌بیند زهرا نقش بر زمین شده، گاهی می‌گوید یا ایتا یا رسول الله گاهی
می‌گوید: «یا فَصَّةُ فَحْذِیْنِی»؛ ای فضا من را دریاب محسنم را شهید کردند. وقتی این منظره را علی ابن ابیطالب
می‌بیند یک جمله خیلی جانشوزی دارد می‌گوید:

«یا بنت رسول الله یا لیتنی مت قبل هذا»

ای کاش من علی مرده بودم و این منظره را نمی‌دیدم جلوی چشم دختر پیغمبر روی زمین افتاده یا
رسول الله می‌گوید.

عبارتی که بعضی از اهل سنت دارند نه شیعه؛ ای کاش بعضی از آخوندهای ما به اندازه یک سنی غیرت داشتند.
«خوارزمی» یکی از علمای بزرگ اهل سنت است کتابی به نام «مقتل الحسین» دارد، قضیه روضه حضرت زهرا
را به قدری زیبا نقل کرده که من هر وقت مطالعه می‌کنم، قطرات اشکم جاری می‌شود.

فرصت نیست من بگویم دوستان مراجعه کنند اگر اشتباه نکنم در جلد ۱ «مقتل» صفحه ۶۳ - ۶۴ یک سنی نقل می‌کند شیعه نیست. می‌گوید: صدیقه طاهره در همچنین روزی بعد از ظهر یا قبل از ظهر بود دست حسن و حسین را گرفت و کنار قبر پیغمبر آمد گفت: حسن جان، حسین جان همین جا مشغول عبادت بشوید، علی هم در مسجد مشغول نماز است.

خودش خانه برگشت به «اسماء بنت عمیس» گفت «اسماء» در را ببند بعد از چند لحظه من را صدا کن اگر جواب دادم که دادم اگر جواب ندادم سراغ علی بفرست بیاید من پیش پدرم رفتم.

«اسماء» می‌گوید دیدم صدیقه طاهره نماز خواند به سجده رفت و مدام دعا می‌کند یک دفعه دیدم در سجده صدای زهرا خاموش شد، داخل اتاق شدم رفتم زهرا را تکان دادم دیدم زهرا در حال سجده جان به جان آفرین تسلیم کرد.

گفتم خدایا اگر حسن و حسین برسند چه جوابی بدهم. دیدم حسن و حسین آمدند گفتند «یا اسماء این امنای مادرمان کجا است؟ نتوانستم جواب بدهم این دو تا نازدانه وارد اتاق شدند، دست به بدن زهرا زدند دیدند بدن تکان نمی‌خورد حرکت نمی‌کند. امام حسن به امام حسین برگشت گفت: برادر تسلیت می‌گویم بی‌مادر شدیم.

«اسماء بنت عمیس» می‌گوید: حسن جان حسین جان وصیت زهرا است بروید پدرتان را صدا کنید، عرض کردم عبارت «خوارزمی» عالم سنی است. می‌گوید امام حسن و امام حسین شیون کنان وارد مسجد شدند وقتی خبر شهادت زهرا را به علی دادند، علی افتاد غش کرد. آب آوردند و روی صورت علی ریختند به هوش آوردند؛ چقدر برای علی شهادت زهرا سخت است؟

می‌گوید امیر المؤمنین آمد صدا زد «یا بنت رسول الله» جوابی نیامد. آی دختر پیغمبر، آی مادر حسن و حسین. نمی‌دانم چه اتفاقی در خانه علی افتاد فقط به هنگام دفن امشب ظاهراً در دل شب در تاریکی برای این‌که کسی خبردار نشود. علی دید زهرا یک کاغذی نوشته و زیر سرش گذاشته در این نامه نوشته یا علی:

«غسلني بالليل، كفني بالليل، دفني بالليل»

علی جان من را شبانه غسل بده، شبانه دفنم کن.

یک دختر از پیغمبر مانده که در تاریکی همچین شبی بدون این‌که کسی متوجه بشود، امیر المؤمنین طبق عبارتی که «شیخ صدوق» دارد می‌گوید قطعاً قبر حضرت زهرا در خانه علی بود. اگر در «بقیع» می‌آوردند همه متوجه می‌شدند، در خانه قبر کنده، جنازه حضرت زهرا را دفن کرده است.

معمولاً دوستان یک جنازه را می‌خواهند داخل قبر بکنند یک نفر از سر جنازه می‌گیرد یک نفر از پای جنازه می‌گیرد، معمولاً یک شالی در کمر جنازه می‌گذارند راوی می‌گوید به قدری زهرا در طول این ۹۰ روز لاغر شده بود که پوست و استخوانی مانده بود.

امیر المؤمنین می‌خواهد زهرا را در قبر بگذارد؛ چون زهرا محرمی ندارد، حسن و حسین هم ۴- ۵ سال‌شان بیشتر نیست. بنا است که غریبانه و مخفیانه فاطمه دفن بشود. مانده بود چه کار بکنند؟ جنازه فاطمه دستش است، نمی‌تواند به تنهایی جنازه را در قبر بگذارد، یک موقع دید دو تا دست شبیه دست پیغمبر از قبر بیرون آمد یا علی امانت من را به من بده. علی یک جمله‌ای گفت:

«قُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي»؛

در مصیبت زهرا دیگر صبرم تمام شد کاسه صبرم لبریز شد!

«أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ»؛

یا رسول الله حزن و غصه من تا ابد در عزای فاطمه است.

«وَأَمَّا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ»

نهج البلاغة (للسبحي صالح)؛ نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، تاریخ وفات مؤلف: ۴۰۶ ق؛ محقق /

مصحح: فیض الإسلام، ناشر: هجرت قم، سال چاپ: ۱۴۱۴ ق، نوبت چاپ: اول؛ وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ عَ رُوي عَنْهُ أَنَّهُ

قَالَ عِنْدَ ذَنْبِ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ فَاطِمَةَ، ص ۳۲۰

بعد از این علی دیگر شبها خواب ندارد. شب تا صبح جز ناله از علی در مصیبت زهرا کسی نخواهد شنید.

(أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ؛ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ)

«نَسَأَلُكَ اللَّهُمَّ وَنَدْعُوكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ» الهی بحق فاطمه و آبیها و بعلها و بنیها و السر المستودع

فیها ده مرتبه با حضور قلب بگویند یا الله...

خدایا قسمت می دهیم به آبروز زهرا، به پهلو شکسته زهرا، به سینهی مجروح زهرا، به خون جاری از سینه

زهرا، هر چه سریعتر فرزند زهرا حجت ابن الحسن نزدیک بگردان.

از باقی مانده غیبتش صرف نظر بفرما، مقدمات ظهورش سریعاً فراهم بگردان. خدایا به آبروی زهرا ما را از

یاران خاص، سربازان فداکار، شهدای رکابش قرار بده، انقلاب ما را به انقلاب جهانی اش متصل بفرما.

خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت در هر لباس و منصبی هستند مراجع عظام ما، مقام معظم رهبری

موفق و مؤید بدار، خدا به آبروی زهرا بر بیماران مان شفای عاجل کرم فرما، رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما،

حوائج حاجتمندان روا نما.

خدایا تو را قسمت می‌دهیم به آبروی زهرا به آبروی اشک چشمان علی در مصیبت زهرا، به آبروی ناله‌های
جانسوز بچه‌های زهرا در جمع ما هر کس گرفتاری دارد گرفتاری‌اش را برطرف کن، هر حاجتی دارد حاجتش
را برآورده کن، دعا‌های ما به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صالحین، صدقین بالاخص «امام راحل» و دو تا یادگارش صلوات
بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ